

اهمیت و نقش بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز پیشرفت در زیرساخت و هندسه الگوی پایه پیشرفت اسلامی ایرانی (بخش دوم - رسالت و افق)

حمید رضا فرهمند^۱

چکیده

برای آنکه الگوی پایه پیشرفت اسلامی ایرانی ظرفیت‌های لازم برای تحوّل فرد و جامعه و ورود به مسیر پیشرفت کشور را فراهم نماید، نیازمند ترسیم یک هندسه یا ساخت کلی منسجم و جهت‌دار است که بتواند با تقویت نقش و ارتباط و وابستگی ساختارمند محتوا و اجزاء مختلف آن (مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر) و عناصر ارزشمند و دقیقی که در هر یک منظور شده است، ذهنیت نوگرا و تحوّل‌زای روشنی را در منظر مخاطبان مختلف آن بوجود آورد. در این مقاله بر اساس دیدگاهی که به توسعه و پیشرفت به مثابه امری تمدنی می‌نگرد و بر سه اقدام: (۱) شناخت و فهم اندیشه محوری و اساسی، (۲) تولید و تبیین اندیشه‌های تفصیلی براساس اندیشه محوری، (۳) نهادسازی برای تحقق اندیشه‌های تفصیلی در عرصه عمل مبتنی است، تلاش شده است با استفاده از مدل مفهومی پیشرفت فرهنگ‌بنیان و نقش بنیادین بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز، و در ادامه مقاله اول^(۲) - که به موضوع مبانی اختصاص داشت - جهت ایجاد ساخت منسجم الگوی پایه پیشرفت اسلامی ایرانی و اصلاح و تکمیل موضوعی و مفهومی بخش‌های رسالت و افق پیشنهادات لازم ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: بن‌مایه فرهنگ‌ساز، پیشرفت فرهنگ‌بنیان، تمدن نوین اسلامی ایرانی، مردم‌سالاری دینی

(۱) مقدمه

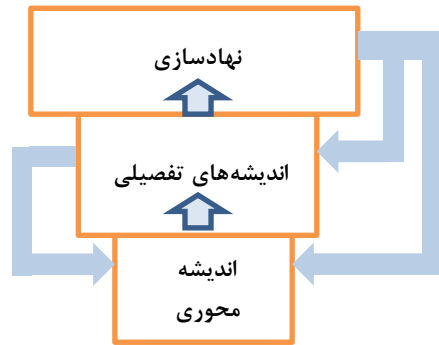
الگوی پایه پیشرفت به دلیل اینکه مفاد و محتوای آن در یک هندسه ساختارمند و مدل مفهومی، ارائه نشده است در هدایت اندیشه و بینش و انگیزه افراد و جامعه به سوی تحوّل نوآورانه‌ای که برای زیستن مطلوب در نظر دارد، انرژی و انگیزش لازم را ایجاد نمی‌کند. تداخل میان بن‌مایه‌ها و اعتقادات و بینش‌ها و نگرش‌ها، عدم ارائه ربط منطقی و مفهومی که میان این موضوعات وجود دارد، عدم پرداختن روشن به اهمیت و ضرورت نهادسازی و ارتباط آن با اندیشه‌های محوری و تفصیلی، موجب گردیده است تا از اثربخشی الگوی پایه در ارائه راه‌های برون‌رفت از وضع موجود برای اصلاح‌گری و تحوّل مطلوب کاسته شود.

در مقاله پیشین^(۳)، با تبیین بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز پیشرفت و اقدامات سه‌گانه^(۱) شناخت و فهم اندیشه محوری و اساسی، (۲) تولید و تبیین اندیشه‌های تفصیلی براساس اندیشه محوری، (۳) نهادسازی برای تحقق اندیشه‌های تفصیلی در عرصه عمل، مدل مفهومی‌ای ارائه شد که می‌تواند ارتباط میان محتوای بخش‌های مختلف الگوی پایه را بصورتی منطقی به یکدیگر مرتبط و پیوسته گرداند، شکل ۱.

۱- استادیار پژوهشی سازمان جهاددانشگاهی تهران. آدرس الکترونیکی: hrfarahmand@ut.ac.ir

۲- مقاله « اهمیت و نقش بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز پیشرفت در زیرساخت و هندسه الگوی پایه پیشرفت اسلامی ایرانی ». در این مقاله به موضوع مبانی پرداخته شده است و به هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه شده است.

۳- همان



شکل ۱- ارتباط فرایندی اقدامات در توسعه (پیشرفت)

بن‌مایه‌های فرهنگ ساز اسلام شامل ده باور اساسی عقل‌باوری، توحیدباوری، وحی‌باوری انسان‌باوری، صدق‌باوری، علم‌باوری، حق‌باوری، عدل‌باوری، عهدباوری و سلم‌باوری است که اندیشه محوری پیشرفت به عنوان زیربنای اندیشه‌های تفصیلی را مشخص می‌سازند. این ده باور در عین استقلال، از یکدیگر جداناپذیر هستند.

اما شرط آنکه جامعه‌ای بتواند به توسعه، به معنای ایجاد و شکوفایی تمدنی جدید بیندیشد و به آن دست یابد دارا بودن فرهنگی تمدن‌زا است که مایه‌های پرورش عناصر اصلی تمدنی را چه برای ایجاد و چه برای بقاء تمدن در فرهنگ خود دارا باشد. در آن مقاله نشان داده شد که بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز تعریف‌شده، به دلیل توانمندی و کارایی که در ایجاد و حفظ عناصر عمومی و مشترک تمدنی دارند از قابلیت‌های لازم برای ایجاد فرهنگی که قابلیت تمدن‌زایی و ایجاد تمدن نوین اسلامی را دارا باشد برخوردار هستند.

لذا برای بسترسازی تحوّل به سوی پیشرفت لازم است بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز اسلام به عنوان عناصر مبنایی و بنیانی مشترک در حیات اندیشه و اخلاق و عمل فرد و اجتماع شناخته شوند و پایبندی به آنها به یک اصل پذیرفته شده اجتماعی تبدیل گردد. توسعه مفهومی و محتوایی این بن‌مایه‌ها و تعمیق و گسترش آنها که در بستر اندیشه‌های تفصیلی به نحوه نگاه به زندگی و جامعه و زیستن انسان معنی و مفهوم می‌بخشند، در ایجاد و بازسازی و نوسازی نهادها و ساختارهایی که در جامعه شکل گرفته یا باید شکل بگیرند و توسعه یابند، وجه عملی می‌یابد و به پایه‌ریزی نظامات مختلف اداره زندگی فرد و جامعه شکل مطلوب می‌بخشد.

همچنین نتیجه گرفته شد که می‌توان با تقسیم‌بندی بخش «مبانی» الگوی پایه به زیربخش «مبانی پایه (بنیادین)» (شامل بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز) و زیربخش «مبانی شناختی/ معرفت‌شناسی» (شامل گزاره‌های بخش مبانی سند الگوی پایه)، این اصلاح محتوایی و ساختاری را با کمترین تغییر و با موفقیت ایجاد کرد.

در این مقاله نیز تلاش شده است تا بر مبنای آن مدل مفهومی، پیشنهادات مورد نیاز برای اصلاح یا تکمیل مفاد و موضوعات در بخش‌های رسالت و افق سند ارائه شود.

۲) الگوی پایه پیشرفت و الگوی پیشرفت

اندیشه‌ها در بستر زمان و زندگی اجتماعی و سیر تحولات و وقایع و در حضور و بروز دیگر اندیشه‌ها و آثار و دستاوردهای آنها متولد شده، و برای تکامل دائماً در تکاپو می‌باشند و در این تلاش از آن چه بوده و آنچه هست، متأثر می‌شوند. چنانچه اندیشه‌ای بتواند جامعه را به تلاش برای دستیابی به «زیستنی نو» دعوت نماید و ضمن دارا بودن جامعیت، از قابلیت‌هایی برخوردار باشد که با وحدت‌بخشی به آرمان‌ها، انگیزه‌ها، خواست‌ها و نیازهای یک

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

جامعه، افق روشن فردا را نشان دهد و با داشتن ذاتی تحول آفرین و تحول بخش، شایستگی های لازم برای راهبری حرکت تحول گرای جامعه را در بستری پیوسته و مستمر میان زندگی امروز و زندگی فردا القا کند و در عرصه ها و برهه های مختلف زیست جامعه و در مصاف سایر اندیشه ها و تجربه ها، قابلیت و توانمندی دفاع از هستی و درستی خود بر پایه منطق و استدلال و تجربه را نشان دهد و در شکل دهی این گونه به حیات و تاریخ جامعه، کارآیی و کارآمدی خود در میدان عمل را نیز به اثبات رساند، ظرفیت آن را دارد که به عنوان « نظریه های برای پیشرفت (توسعه) » مطرح شود.

چنانچه جامعه در ارزیابی تجارب معاصر زیست بشری و در تجربه گام به گام زندگی خود به تغییر وضع موجود و ضرورت زیستنی دیگر گرایش و تمایل یابد و اندیشه های را به دلیل دارا بودن ظرفیت شکل دهی و شکل گیری « زیست مطلوب آینده » انتخاب کند و بپذیرد، در اینصورت می توان آن را « نظریه پایه پیشرفت » نام نهاد.

اما « نظریه پایه پیشرفت » آنگاه می تواند به « نظریه / نظریه های پیشرفت » تبدیل شود که در حیات پیش رو و در مسیر تکمیل و اصلاح تحولی جامعه و گسترش آن در عرصه های مختلف زندگی و نفوذ مفید و موثر آن به درونی - ترین لایه های زندگی فرد و اجتماع، توانسته باشد ضمن حفظ و ارتقاء خواست و اعتماد عمومی و اراده جمعی، به چنان حدی از بلوغ، توانمندی، کارآمدی و پاسخگویی در حل مسائل و مشکلات، و مصاف طلبی پدیده ها و پرسش - های جدید رسیده باشد که « آینده زیست مطلوب » برای افق هایی دوردست تر را نیز تصویر کند و قابلیت تکثیر به عنوان یک « راه » و یک « الگو » ی مورد پذیرش و اعتماد برای آغاز تحول دیگر جوامع معاصر خود را یافته باشد (۴).

۱- « رسالت » در الگوی پایه و بن مایه های فرهنگ ساز پیشرفت

رسالت به عنوان چارچوبی راهنما، راهبر، شورآفرین و تعهدزا است که با نشان دادن مسیر آینده جامعه، اراده و توان مردم را در حرکت برای دستیابی به آرمان برمی انگیزاند و هماهنگ می سازد. این چارچوب، منبعث از مبانی و وابسته به آرمان است؛ که هم سمت و سو و هم نحوه حرکت مستمر جامعه را ترسیم و تنظیم می کند. با چنین ویژگی هایی است که رسالت می تواند در جایگاه میثاقی مشترک قرار گیرد؛ جایگاهی که در سند الگو به آن تصریح شده است: « رسالت، میثاق مشترک مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت است. » (۵)

گزاره رسالت در سند الگوی پایه اگر چه حرکت جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی در زیست بوم ایران، و متناسب بودن آن با آرمان ها را مطرح کرده است، شکل ۲، لیکن هیچ عنصر و عامل آگاهی بخش، جهت بخش و برانگیزاننده ای

۴- در این نگاه، الگوی پیشرفت نیازمند نظریه پیشرفت اسلامی ایرانی است. لذا الگوی پایه پیشرفت با بستر سازی مناسب اندیشه ای و عملی، راه را برای تولید نظریه یا نظریه های پیشرفت اسلامی ایرانی بگونه ای که با جنبه های کارکردی و عملی حیات فرد و اجتماع منطبق باشند، می گشاید. نظریه پیشرفت اسلامی ایرانی، هم راه تحقق همه جانبه جامعه پیشرفته و توسعه یافته (زیست مطلوب آینده) را نشان می دهد و هم در وهله بعد نقش الگوی پیشرفت پایه برای تحول دوران آینده چنین جامعه ای (آینده زیست مطلوب) را ایفا می کند. این فرایند بی توقف و به تناوب ادامه خواهد داشت. از این جهت می توان انتظار داشت که الگوی پایه در یک بازه زمانی میان مدت (مثلا ۱۰ الی ۱۵ ساله) مبنای شکل گیری الگوی پیشرفت شود و الگو / الگوهای پیشرفت همه جانبه برای یک دوران بلند مدت پس از آن (۱۵ تا ۳۰ ساله) راهنمای تحول خواهند بود. با توجه به تحولاتی که همزمان در سطح جهانی و کشورها و جوامع دیگر نیز روی خواهد داد الگوی پیشرفت به مثابه الگوی پایه دوران بعد، راهنمای تکامل آتی ایران آن زمان را مشخص خواهد ساخت.

۵- سند الگوی پایه پیشرفت اسلامی ایرانی، مقدمه سند.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

را در نسبت با مبانی و بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز آن و آرمان‌ها ارائه نمی‌کند و تنها بر وجه عقلانی، مومنانه و متعهدانه بودن حرکت ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی تاکید دارد. ضمن آنکه در خصوص تمدن نوین اسلامی نیز هیچ توصیف یا توضیحی در بخش‌های پیشین سند و در ارتباط و نسبت آن با انقلاب اسلامی مطرح نشده است^(۶).

«رسالت ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، حرکت عقلانی، مومنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست‌بوم ایران است.»

شکل ۲- گزاره رسالت در سند الگوی پایه پیشرفت

از این جهت «گزاره رسالت» از ظرفیت و غنای کافی برای ترسیم افق نیز برخوردار نیست. این نقص محتوایی در توصیف رسالت موجب شده است که نه پیوند میان آرمان و رسالت روشن و مستحکم شود و نه بصورت منطقی و علی‌پیوندی میان رسالت با افق قابل دریافت باشد؛ نتیجه آن که میان آرمان و افق نیز رابطه‌ای منطقی و علی‌ایجاد نمی‌شود و میان آنها گسست پدیدار می‌گردد.

علاوه بر این لازم است متن «رسالت» که وضعیت هر زمان را در نسبت با «افق» و به سوی آن شکل می‌دهد، همواره بصورت تابلویی زنده و گویا در پیش روی مردم قرار داشته باشد تا بطور فشرده و رسا چگونگی دستیابی به اهداف و افق پیش‌رو و پیمودن راه تکاملی انقلاب در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی را نشان دهد.

متن پیشنهادی که در شکل ۳ برای «رسالت» ارائه شده است از این ویژگی برخوردار است که ضمن رعایت اصول گزاره پیشرفت در متن سند الگوی پایه، می‌تواند موضوعات اساسی مربوط به مبانی و بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز آن و آرمان‌ها را به صورت منظومه‌ای مرتبط و منسجم ارائه نماید. همچنین می‌تواند مشخصه‌های اصلی برای ترسیم افق را بدست دهد و بستر ارتباط میان افق با مبانی و آرمان‌ها را فراهم سازد.

رسالت ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی منبعث از خواست و اراده آنان عبارت از:

حرکت عقلانی، عالمانه، حق‌گرایانه و اخلاق‌مدارانه در جهت تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی برای ساختن کشوری پیشرفته با زیست مطلوب انسانی و تراز برتر جهانی، و ایجاد تمدن نوین اسلامی در زیست‌بوم ایران است که در راستای برپایی حکومت جهانی عدل و از مسیر اعتلاء نظام مردم‌سالاری دینی و با بهره‌مندی از تجارب سودمند بشری صورت می‌پذیرد.

شکل ۳- متن اصلاح‌شده و تکمیلی برای بخش «رسالت»

در ادامه دلایل وجودی کلمات و عبارت پیشنهادی درج‌شده در متن اصلاح‌شده و تکمیلی «رسالت» توضیح داده می‌شود.

۴-۱) عناصر اصلی در تکمیل بخش «رسالت» الگو:

۶- در مقدمه سند آمده است: الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی بسوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم‌قرن آینده است. این الگو با مشارکت گسترده متفکران و صاحب‌نظران ایرانی و بر اساس جهان‌بینی و اصول اسلامی و ارزش‌های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران، بر طبق روش‌های علمی و با استفاده از دستاوردهای بشری و مطالعه آینده‌پژوهانه تحولات جهانی طراحی شده است.

هشتمین کنگره اسلیمی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دودم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- «رسالت ملت و نظام جمهوری اسلامی منبعث از خواست و اراده آنان».

این عبارت، با بیان حق اساسی مردم در تعیین سرنوشت خود بر اهمیت و ضرورت وجود و حفظ یک از اصولی تاکید دارد که ایجاد و بقای نظام جمهوری اسلامی و ماهیت مردم سالاری آن را شکل می‌دهد و لازم است همواره در مسیر پیشرفت کشور و جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی، که تمدنی «انسان محور»^(۷) است، به نحوی برجسته محفوظ بماند.

- «حرکت عقلانی، عالمانه، حق گرایانه و اخلاق مدارانه».

از یک نظر می‌توان تمدن نوین اسلامی را متشکل از دلبخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری (حقیقی) دانست. بخش سخت‌افزاری شامل موضوعاتی مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ می‌شود؛ اینها بخش ابزاری تمدن و وسیله است. اما بخش نرم‌افزاری یا بخش حقیقی و اصلی تمدن شامل آن چیزهایی است که متن زندگی، یعنی شیوه زیستن و رفتار اجتماعی و به بیان دیگر سبک زندگی جامعه را تشکیل می‌دهد. رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیری است که جامعه از زندگی و هدف زندگی دارد. هر هدفی که برای زندگی تعیین شود به طور طبیعی و متناسب با خود، نوعی از سبک زندگی را ترسیم می‌کند. در نتیجه باید به دنبال این بود که فرهنگ زندگی را به شکل مطلوب اسلام تبیین کرد و آن را تحقق بخشید. «خردورزی»، «اخلاق»، «حقوق» بن‌مایه‌هایی هستند که اسلام برای تبیین و تحقق چنین فرهنگی معین کرده است.^(۸) اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هرچه ما در صنعت پیش برویم، هرچه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده‌ایم (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز پیشرفت که «مبانی پایه» را تشکیل می‌دهند، در این متن پیشنهادی بصورت صریح یا ضمنی آمده‌اند. همانگونه که بیان شد شرط آنکه جامعه‌ای بتواند به توسعه، به معنای ایجاد و شکوفایی تمدنی جدید بیندیشد و به آن دست یابد دارا بودن فرهنگی تمدن‌زا است. وجود بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز بر شمرده شده^(۹) قابلیت‌های لازم در ایجاد و حفظ عناصر عمومی و مشترک تمدنی را دارا هستند و فرهنگ مبتنی بر آنها نیز قابلیت تمدن‌زایی و ایجاد تمدن نوین اسلامی را خواهد داشت. هر بن‌مایه ضمن استقلال موضوعی از سایر بن‌مایه‌ها، از محتوای آنها متأثر است که این امر نوعی هماهنگی و پیوستگی میان بن‌مایه‌ها را بوجود می‌آورد. بن‌مایه‌ها بصورت مجموع و ترکیبی و نه مجزا و از هم گسیخته، بر عناصر پیرامونی فرهنگ و بخش‌های مختلف اجتماع و همچنین تولید اندیشه -

۷ - مقصود از «انسان‌محوری» آن معنای مضحک نیست که مستلزم «انسان خدائی» می‌باشد، بلکه منظور این است که محور همه تلاش‌ها و ارزش‌های مربوط به تمدن باید خدمتگزار انسان باشد نه این که انسان را قربانی ظواهر و پدیده‌های فریبا به نام تمدن نماید. به عبارت روشن‌تر، انسان در تعریف تمدن "هدف" قرار می‌گیرد، و این شایستگی انسان برای هدف قرار گرفتن برای تمدن از قرار گرفتنش در جاذبه کمال مطلق که خدا است ناشی می‌گردد. تمدن و فرهنگ با همه عناصر ممتازی که دارند، از دیدگاه اسلام در خدمت «حیات معقول» انسان‌ها قرار می‌گیرند نه «حیات معقول» انسان‌ها در خدمت تمدن و فرهنگی که برای به فعلیت رسیدن استعدادهای مثبت انسانی و اشباع احساس‌های برین او ساخته شده‌اند (جعفری، محمد تقی، ص ۲۳۴، ج ۱۶).

۸ - برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

۹ - عقل‌باوری، توحیدباوری، وحی‌باوری انسان‌باوری، صدق‌باوری، علم‌باوری، حق‌باوری، عدل‌باوری، عهدباوری و سلم‌باوری.

هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

های تفصیلی و ایجاد نهادهای، ساختارها و رفتارها اثر می‌گذارند؛ هر چند نسبت آنها و میزان اثرگذاری‌شان در حوزه‌ها و موضوعات مختلف متفاوت است (فرهمند، حمیدرضا، ۱۳۹۷). «عقل‌باوری»، «علم‌باوری» و «حق‌باوری» از جمله این بن‌مایه‌ها هستند. اخلاق بر پایه «صدق» بنیان نهاده می‌شود؛ زیرا صدق، وصفی است که تمامی فضائل علم و عمل (ایمان خالص و اخلاق فاضله و عمل صالح) را در بر می‌گیرد، ممکن نیست کسی دارای صدق باشد و عفت و شجاعت و حکمت و عدالت، چهار ریشه اخلاق فاضله را نداشته باشد (طباطبایی، محمد حسین، ج ۱، ص ۶۵۱)^(۱۰). به عبارت دیگر، «صدق‌باوری» که یکی دیگر از بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز است زیربنای اخلاق را می‌سازد. در نتیجه، به لحاظ پیوستگی میان بن‌مایه‌ها، حرکت مبتنی بر آنها نیز حرکتی اخلاق‌مدارانه، مومنانه^(۱۱) و متعهدانه^(۱۲) خواهد بود.

- «تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی برای ساختن کشوری پیشرفته با زیست مطلوب انسانی و تراز برتر

جهانی

از اولین اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی و نهضت اسلامی مردم ایران، براندازی نظام شاهنشاهی و سرنگونی حکومت سرسپرده، استبدادی و اسلام‌ستیز پهلوی در ایران و برپایی حکومتی مردمی بر پایه اسلام بود که بتواند ایران را به کشوری عزت‌مند، پیشرفته، مستقل و آزاد تبدیل نماید. کشوری که با توجه به پیشینه غنی و ریشه‌دار دینی و تمدنی، و تجارب ارزشمند و سرمایه‌های بزرگ فکری، فرهنگی، علمی، انسانی، و قابلیت‌های فراوان و بی‌نظیر یا کم‌نظیر سرزمینی، طبیعی و جغرافیایی، از شایستگی‌های لازم برای رشد و شکوفایی و پیشرفتگی و عزتمندی در تراز جهانی برخوردار بوده و هست. این، خواست ملت ایران در خیزش بزرگ آنان از هر قوم و مذهب و عقیده‌ای در ایجاد و پیروزی انقلاب بوده است که در یکی از دو شعار اساسی و پایدار انقلاب اسلامی یعنی شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» متجلی و متبلور شده است. در این شعار، «جمهوری اسلامی» بیانگر نوع حکومت و ساخت نظام سیاسی در اداره کشور برای تحقق استقلال و آزادی ایران و مردم آن بر مبنای اسلام است. دومین شعار اساسی و پایدار انقلاب اسلامی، شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» بوده است. معنای ظاهری و اولیّه این شعار، اعلام عدم وابستگی جمهوری اسلامی به دو ابرقدرت جهانی شرق (شوروی) و غرب (امریکا) و عدم سلطه‌پذیری در برابر آنان است که ترجمان همان استقلال‌خواهی مندرج در شعار اول است. زیرا کشورها، راهی جز پیوستن به اردوگاه شرق یا غرب را نداشتند و هر کشوری که به این مساله تن در نمی‌داد، بعد از گذشت زمانی با توجه به شرایط حاکم، ناچار می‌شد به‌گونه‌ای تحت سلطه یکی از دو ابرقدرت جهانی قرار گیرد. اما از منظری دیگر، دو ابرقدرت جهانی، شوروی و امریکا، در واقع اداره‌کنندگان دو بلوک شرق و غرب در جهان بودند که هر بلوک مبتنی بر یک جهان‌بینی و مکتب فکری خاص بنا نهاده شده بود و در صدد گسترش حوزه اثرگذاری و حاکمیت خود در جهان هم

۱۰- چون آدمی به غیر از اعتقاد و قول و عمل، چیز دیگری ندارد و وقتی بنا بگذارد که جز راست نگوید، ناچار می‌شود این سه چیز را با هم مطابق سازد، یعنی نکند مگر آنچه را که می‌گوید و نگوید مگر آنچه را که معتقد است و گر نه دچار دروغ می‌شود. انسان، مفسور بر قبول حق و خضوع باطنی در برابر آن است، بنابراین اگر اذعان به حق کرد و بنا گذاشت که جز راست نگوید، دیگر اظهار مخالفت نمی‌کند؛ تنها چیزی را می‌گوید که بدان معتقد است و تنها، عملی را می‌کند که مطابق گفتارش است، در این هنگام است که ایمان خالص و اخلاق فاضله و عمل صالح، همه با هم برایش فراهم می‌شود (طباطبایی، محمد حسین، ج ۱، ص ۶۵۱).

۱۱- متأثر از بن‌مایه‌های توحیدباوری، وحی‌باوری و انسان‌باوری.

۱۲- متأثر از بن‌مایه‌های انسان‌باوری، عدل‌باوری، عهد باوری و سلم‌باوری.

هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

به لحاظ فکری و هم به لحاظ قدرت و سیاست بود. در بلوک شرق، اندیشه کمونیسم و سوسیالیسم حکومت می‌کرد و تحت قیمومت و هژمونی اتحاد جماهیر شوروی مدیریت و رهبری می‌شد؛ در حالیکه در بلوک غرب، تفکر لیبرالیسم و سرمایه‌داری تسلط داشت (و دارد) و تحت قیمومت و هژمونی ایالات متحده آمریکا مدیریت و رهبری می‌شد و هر کدام به نحوی، سعی می‌کردند تا به تنهایی، حاکمیت سیاسی-فکری و اقتصادی دنیا را به دست داشته باشند. در چنین عرصه‌ای، رخداد انقلاب اسلامی در ایران اندیشه دیگری در سطح جهان را مطرح کرد که هر دو اندیشه حاکم بر جهان و بلوک‌بندی قدرت‌های متعلق به آنها را نفی می‌کرد. در اندیشه انقلاب اسلامی، هر دو اندیشه حاکم بر جهان بر مبنای مادیت و نفی توحید استوار بودند؛ یکی مظهر کفر حاکم بر جهان بود و دیگری مظهر کفر و شرک حاکم. لذا هر دو مکتب با اندیشه توحیدی انقلاب اسلامی در تضاد بودند. نفی مداخله دین در اداره امور جامعه و زندگی فردی و اجتماعی، امر مشترکی بود که هر دو بر آن توافق داشتند: اولی با اعتقاد به حذف دین از صحنه اداره زندگی فرد و اجتماع و دیگری با انحصار و فروکاستن نقش و جایگاه دین به امری شخصی در زندگی فرد که نباید و نمی‌تواند در اداره اجتماع بشری مبنای اثر و عمل باشد.

انقلاب اسلامی بر مبنای اندیشه حضرت امام خمینی (ره) و با شناخت و باور نسبت به قرائتی که ایشان از مکتب اسلام داشتند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ظهور تدریجی مصادیق آن، «اسلام ناب محمدی^ص» نامیده شد، آغاز گردید و تا کنون تداوم یافته است. این نگاه به اسلام، از اساس با دیگر نگاه‌های به اسلام که «اسلام آمریکایی» نام گرفتند، متمایز بوده و با آنها در تضاد است. این اندیشه و نگاه، بر جدایی‌ناپذیری دین و سیاست از یکدیگر در مکتب اسلام، و نقش بنیادین اسلام در اداره زندگی مادی و معنوی فرد و اجتماع و تامین سعادت دنیا و آخرت، بنیان یافته است. لذا شعار اساسی «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، شعار اندیشه‌ای و مکتبی انقلاب اسلامی است. از این منظر، جمهوری اسلامی صرفاً یک شکل از اشکال حکومت برای دفاع از استقلال و آزادی کشوری اسلامی مانند ایران محسوب نمی‌شود، بلکه به مثابه نظام‌سازی فکری و عملی یک کشور بر اساس مکتب اسلام ناب محمدی^ص و نهادسازی‌های مورد نیاز آن در همه ابعاد جامعه است. این تجربه نو و جدید بر آن است تا به «زیستنی نو»، که می‌توان آن را «زیست مطلوب انسانی و اسلامی» نام نهاد، دست یابد و راهی غیر از تجربه‌های شرقی و غربی «زیستن» در جهان معاصر را در پیش روی بشر امروز بگشاید و نتایج آن را در معرض قضاوت و ارزیابی جهانیان و اصلاح‌گرایان ملت‌ها قرار دهد.

محتوای این دو شعار اساسی و پایدار انقلاب اسلامی، در متن قانون اساسی، که میثاق ملی مردم ایران است، بصورتی آمیخته و یکپارچه با بسط مفهومی و معنایی و مصداقی در قالب اصول و گزاره‌های مختلف مشخص شده است. در قانون اساسی، بنیان‌های فکری و اندیشه‌ای، آرمان‌ها، ارزش‌ها، اصول مبنای، ماهیت و کیفیت ساختار قدرت و ثروت، چگونگی اداره کشور در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و دفاعی، جایگاه فرد، جامعه و حکومت و گستره حقوق، تکالیف و مسئولیت‌های متقابل آنان، بیان گردیده است و بر این اساس، هندسه و ساخت حکومت و نظام جمهوری اسلامی ایران ترسیم شده است.

بنابراین، ایجاد تمدن نوین اسلامی در زیست‌بوم ایران که تحقق «زیست مطلوب اسلامی ایرانی» است نه تنها از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی جدایی‌ناپذیر است بلکه همانگونه که رهبر معظم انقلاب بیان کرده‌اند انقلاب

هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

اسلامی باید مبنایی برای طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلامی باشد (۱۳).

- «ایجاد تمدن نوین اسلامی در زیست‌بوم ایران و در راستای برپایی حکومت جهانی عدل».

ایجاد تمدن نوین اسلامی جز در راستای مقصد اعلاي جامعه بشری در برپایی حکومت جهانی عدل و جهت‌گیری تاریخ به سوی آینده‌ای پیشرفته در تمام ابعاد مادی و معنوی با حاکمیت ایمان و تقوا و رهبری امام معصوم (ع) (۱۴)، معنا نمی‌یابد. یکی از خواست‌ها و شعارهای اصیل مردم ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آرزوی استمرار و تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی حضرت مهدی موعود^{عج} است که بخوبی مقصد نهایی را نشان می‌دهد.

- «از مسیر اعتلاء نظام مردم‌سالاری دینی و با بهره‌مندی از تجارب سودمند بشری»

همانگونه که در مقدمه بیان شد یکی از اقدامات اصلی برای تحقق توسعه/پیشرفت (به مثابه یک امر تمدنی)، مقوله نهادسازی برای تحقق اندیشه‌های تفصیلی در عرصه عمل فردی و اجتماعی جامعه است. فرایند توسعه اساساً فرایند تقابل و تعارض نهادها و نظام‌های تمدن قدیم در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با اندیشه و بصیرت تمدن جدید است. اگر این فرایند درست پیش رود به تدریج نهادها متناسب می‌شوند. به دنبال تناسب نهادها، عملکرد اقتصادی هم بالا می‌رود و خود را به سطح ظرفیت اندیشه جدید می‌رساند و اگر به هر علتی این تعارض در مسیر حفظ تمدن قدیم توفیق پیدا کند جامعه الزاماً در فرایند اضمحلال قرار می‌گیرد (عظیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶). یکی از نهادسازی‌های اساسی و نوآورانه انقلاب اسلامی در ایران، ایجاد نظام مردم‌سالاری دینی است که «جمهوری اسلامی» ترجمان حقوقی آن است. نظام مردم‌سالاری دینی و جمهوری اسلامی، برای اولین بار توسط انقلاب اسلامی ایران در سطح جهانی مطرح شد. در همان ماه‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب، ایجاد این نظام از طریق فرایند عمومی به نظرخواهی مردم ایران گذاشته شد. رای «آری» اکثریت قاطع مردم ایران به برپایی جمهوری اسلامی و متعاقب آن، رای مثبت در تایید قانون اساسی «جمهوری اسلامی ایران» موجب شد تا این مولود جدید انقلاب اسلامی برای اولین بار پا به عرصه حیات سیاسی و اجتماعی جامعه بشری بگذارد. پدیده‌ای که در فرهنگ سیاسی و مکاتب مختلف اداره جوامع بشری در تاریخ هزار ساله اخیر سابقه‌ای از آن به چشم نمی‌خورد. گرچه طی این تاریخ نظامات مبتنی بر دموکراسی یا مبتنی بر اعتقادات دینی وجود داشته‌اند؛ اما این نوع از حکومت که همزمان هم متکی بر خواست و اراده و رای مردم باشد و هم مبتنی بر مبنای و احکام اسلام، تجربه جدید و نوی است که برای اولین بار

۱۳- «طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در واقع ارائه محصول انقلاب اسلامی و طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام است.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی - ۱۳۹۱/۱۲/۱۴)

- «امروز دنیا در همه ابعاد - چه ابعاد اقتصادی، چه ابعاد فرهنگی، چه ابعاد سیستمی و اداری و حکومتی و دیگر ابعاد زندگی - به هر حال تحت تاثیر الگوی تمدن غربی و پیشرفت غربی قرار گرفته است. در قبال این تسلط و هیمنه‌ای که امروز وجود دارد، ما می‌خواهیم یک حقیقت درخشانی را مطرح کنیم؛ خودمان بر طبق این حقیقت تشکل پیدا کنیم، شکل بگیریم - جامعه خودمان، حکومت خودمان، زندگی خودمان - و دنیا را به آن دعوت کنیم؛ این کار کوچکی نیست، این کار خیلی بزرگی است. اگر افراق گویی تلقی نشود، می‌خواهم عرض کنم که محصول انقلاب اسلامی در واقع در یک چنین کاری می‌تواند تجلی پیدا کند.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با شورای عالی و اعضای مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴)

۱۴ - سند الگوی پایه پیشرفت اسلامی ایرانی، بخش مبنایی، مبنای جامعه شناختی

هشتمین کنگره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

در جهان معاصر تجربه می‌شود. نظام جمهوری اسلامی ایران، آنگونه که در قانون اساسی تعریف و تبیین شده است از ظرفیت‌های بزرگ بالقوه و نوگرایانه‌ای برای شکل‌گیری نوع جدیدی از زندگی و زیست بشری و اداره اجتماع برخوردار است که به رغم گذشت چهار دهه پرافتخار از عمر آن هنوز به فعلیت در نیامده‌اند و در عمل نیز مورد تجربه و ارزیابی قرار نگرفته‌اند. از این رو حفظ و اعتلاء نظام مردم‌سالاری دینی برای بقای اندیشه انقلاب اسلامی و تحقق این تجربه جدید تاریخ بشر، بگونه‌ای که بتواند در مسیر تکاملی خود و در تراز جهانی، نیازهای مردم ایران و جامعه ایران را متناسب با شرایط و مقتضیات بومی و به نحو مطلوب و قابل پذیرش برآورده سازد، یک اصل اساسی است. از الزامات این توفیق، آشنایی روزآمد و عالمانه با سیر تحولات جامعه بشری و دستاوردهای مختلف و وسیع جوامع گوناگون و ملت‌های مختلف و بهره‌گیری از نتایج و دستاوردهای سودمند بشری در این حرکت عقلانی، عالمانه، حق‌گرایانه و اخلاق‌مدارانه است.

۲- «افق» در الگوی پایه و بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز پیشرفت

«افق، آرمان‌های الگو را بر جامعه و زیست‌بوم ایران در نیم‌قرن آینده تصویر می‌کند و هدف‌های واقعی آحاد مردم، جامعه و حکومت ایران را در آن موعد معین می‌سازد»^(۱۵). افق از چهار قسمت تشکیل شده است که لازم است اثر وجودی بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز (مبانی پایه) و مبانی شناختی/معرفت شناختی سند در محتوای گزاره‌های آن‌ها بررسی شود. افق وظیفه ترسیم تصویری کلی اما شفاف و روشن از جامعه مطلوب آینده ایران و ابعاد مختلف آن توسط مجموعه گزاره‌ها را به عهده دارد لذا ارزیابی اثر وجودی مبانی در ایجاد گزاره‌ها یا اثربخشی بر آنها را نه لزوماً در تک‌تک گزاره‌ها بلکه در ساخت و ترکیب آنها با یکدیگر نیز می‌توان جستجو کرد. در این بررسی باید تلاش کرد از نقد پیرامون تفاوت سلائق که در نحوه نگارش و بکارگیری واژگان و ادبیات حاکم بر متن افق ظهور و بروز دارد پرهیز شود. بررسی دقیق محتوای متن افق و تعیین نسبت علی و منطوق تولید گزاره‌ها در ارتباط با مبانی پایه و مبانی شناختی/معرفت‌شناختی و آرمان‌ها و تحلیل موضوعی و محتوایی متن از این جنبه، به نوشتاری جداگانه و مفصل نیاز دارد. در این مقاله تلاش شده است به برخی کاستی‌های متن افق که با افزودن کلمات یا عباراتی به متن اصلاح و تکمیل می‌شود، اشاره شود.

۴-۱) قسمت اول

قسمت اول متن «افق» به شرح ذیل است:

در سال ۱۴۴۴ هجری شمسی مردم ایران دیندار، عموماً پیرو قرآن کریم، سنت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) و با سبک زندگی و خانواده اسلامی ایرانی و روحیه جهادی، قانون‌مدار، پاسدار ارزش‌ها و هویت ملی و میراث انقلاب اسلامی، تربیت‌یافته به تناسب استعداد و علاقه تا عالی‌ترین مراحل معنوی و علمی و مهارتی، و شاغل در حرفه متناسب‌اند و از احساس امنیت، آرامش، آسایش، سلامت و امید زندگی در سطح برتر جهانی برخوردارند.

- ذکر عنوان سبک زندگی اسلامی ایران به تنهایی هیچگونه مشخصه و ارزش و ویژگی را به ذهن مخاطب متبادر نمی‌سازد تا بتواند آن را با دیگر تجارب بشری مقایسه کند. از این‌رو لازم است ویژگی‌هایی که برای حرکت ملت و نظام جمهوری اسلامی در بخش رسالت مطرح شد به عنوان عناصری که طی ۵۰ سال در زندگی فرد و اجتماع بصورت نهادینه جریان یافته و جزو مشخصه‌های بارز فرهنگی آنان شده‌است، ذکر شود که قانون‌مدار بودن از جمله آنان است.

هشتمین کنگره الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی شرف؛ پیشران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- ترسیم فضای فکری حاکم بر تلاش و فعالیت فرد و اجتماع در عبارت روحیه جهادی بیان شده است. اما عدالتخواهی که یک آرمان بزرگ بشری و مهمتر از جهاد و مقدم بر آن است، در متن نیامده است. عدالتخواهی مستقیماً از بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز «توحیدباوری» و «عدل‌باوری» نشئت می‌گیرد و گستره آن تمامی عرصه‌های حیات فردی و جمعی و خانواده و اجتماع را در بر گرفته و متأثر می‌سازد.

- یکی از موضوعات محوری در توصیف «انسان‌باوری» (به عنوان یکی از بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز) این است که هر فردی از انسان دارای استعدادها و نیروهای مثبت و سازنده‌ای است که باید برای فهم جهان طبیعت و بهره‌برداری از آن و همچنین برای اصلاح زندگی خویش و دیگران بارور گرداند. هر انسانی "می‌خواهم" شخصی دارد و ملاک زندگی خود را در اشباع آن «می‌خواهم» می‌داند [که بودن حیات را برایش لذتبخش می‌سازد] (جعفری، محمدتقی، ج ۲، ص ۲). اشتغال فرد یکی از مهمترین و اساسی‌ترین حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد. نه تنها لازم است فرد در حرفه متناسب شاغل شود بلکه آن فعالیت باید مورد تمایل او نیز باشد. در اصل ۲۸ قانون اساسی^(۱۶) به این موضوع به عنوان یک حق فردی تصریح شده است. اگر چه در متن سند موضوع مهم تربیت هر فرد به تناسب استعداد و علاقه تا عالی‌ترین مراحل معنوی و علمی و مهارتی تصریح شده است اما این امر به معنای اثبات و تأیید وجود حق برای فرد جهت اشتغال در حرفه و فعالیت مورد تمایل وی نیست. نتیجه آنکه برای دولت و حکومت نیز تکلیفی برای فراهم ساختن این شرط الزام‌آور نخواهد بود. لذا عدم توجه به عنصر «می‌خواهم» شخصی، که نقش بسیار مهمی در آسایش‌بخشی به ذهن و روان انسان و ایجاد آرامش در زندگی شخص دارد، و به رسمیت‌نشاندن آن، مغایر با اصل «برخوردار از احساس آرامش» است.

- سه شاخصه مهم جامعه مطلوب که از بن‌مایه فرهنگ‌ساز «توحیدباوری» نشئت می‌گیرد قبول عقلی و باور قلبی به کرامت انسان‌ها، و برخوردار بودن آنان از حق آزادی و دارا بودن حقوق مساوی است. لذا رنگ، نژاد، زبان، قومیت، خویشاوندی و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. اینها عناصر پایه‌ای برای «انسان‌محوری» تمدنی است که بر محور توحید شکل می‌گیرد. اصل ۱۹ قانون اساسی دارا بودن حقوق مساوی برای انسان‌ها را تصریح کرده است^(۱۷).
با توجه به توضیحات فوق متن ذیل برای اصلاح و تکمیل متن مذکور پیشنهاد می‌شود:

در سال ۱۴۴۴ هجری شمسی، مردم ایران دیندار، عموماً پیرو قرآن کریم، سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، خردورز، اخلاق‌گرا، قانون‌مدار، برخوردار از روحیه عدالتخواهی و جهادی با سبک زندگی و خانواده اسلامی ایرانی، پاسدار ارزش‌ها، هویت ملی و میراث انقلاب اسلامی، تربیت‌یافته به تناسب استعداد و علاقه تا عالی‌ترین مراحل معنوی، علمی و مهارتی و شاغل در فعالیت دلخواه و حرفه متناسب‌بند و از کرامت، آزادی، حقوق مساوی، امنیت، آرامش، آسایش، سلامت، و امید زندگی در سطح برتر جهانی برخوردارند.

۱۶ - اصل ۲۸ قانون اساسی: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

۱۷ - اصل ۱۹ قانون اساسی: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

تا سال ۱۴۴۴، ایران به پیشتاز در تولید علوم انسانی اسلامی و فرهنگ متعالی در سطح بین‌المللی تبدیل شده و در میان پنج کشور پیشرفته جهان در تولید اندیشه، علم و فناوری جای گرفته و از اقتصادی دانش‌بنیان، خوداتکا و مبتنی بر عقلانیت و معنویت اسلامی برخوردار، و دارای یکی از ده اقتصاد بزرگ دنیا است. تا آن زمان، سلامت محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم شده؛ کشف منابع، خلق مزیت‌ها و فرصت‌های جدید و وفور نعمت برای همگان با رعایت عدالت بین نسلی حاصل شده است. فقر، فساد و تبعیض در کشور ریشه‌کن گردیده و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر و دسترسی آسان همگانی به نظام قضایی عادلانه تأمین شده است.

- عقلانی و عالمانه بودن حرکت ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی دو ویژگی مهمی است که در بخش قبل توضیح داده شد. نتیجه طبیعی و منطقی اعتقاد به بن‌مایه‌های عقل‌باوری، انسان‌باوری، وحی‌باوری، علم‌باوری، صدق‌باوری و سلم‌باوری و توجه به گستره موضوعی و اثر آنها بر یکدیگر، ایجاد فرد و جامعه‌ای است که اندیشمندی و تفکر و بهره‌گیری از علم در تمامی سطوح و لایه‌های زندگی فرد و اجتماع جریان داشته و آن‌ها را سیراب می‌سازد. این ویژگی‌ها است که می‌تواند موجب پیشتاز شدن ایران در تولید علوم انسانی اسلامی و فرهنگ متعالی در سطح بین‌المللی و تبدیل شدن به یکی از پنج کشور پیشرفته جهان در تولید اندیشه، علم و فناوری شود. لذا در ترسیم شاکله جامعه در متن افق باید بر ویژگی برجسته آن که اندیشمندی و تفکرگرایی اجتماع است تأکید و تصریح شود. تصریح به اندیشمندی و تفکرگرایی اجتماع در این قسمت، بر حفظ و تقویت این مشخصه در حیات فردی آحاد جامعه (که در قسمت اول مطرح است) اثر می‌گذارد و بالعکس، ذکر آن ویژگی‌ها برای فرد در قسمت اول افق به شکل‌گیری و استحکام این ویژگی در اجتماع کمک می‌کند. وجود این ارتباط متقابل و هماهنگی آنها، موجب هماهنگی زندگی فرد و جامعه در این مقوله است.

- نظام اقتصادی در جمهوری اسلامی نه مانند نظام‌های سوسیالیستی در بخش دولتی منحصر شده است و نه همانند نظام‌های سرمایه‌داری در انحصار بخش خصوصی قرار گرفته است؛ قانون اساسی در اصل ۴۴^(۱۸) به بخش تعاونی و حضور سرمایه، امکانات و مدیریت عمومی مردم (و نه افراد خاص و محدود) در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی، موضوعیت و مشروعیت بخشیده است. و در این اصل برای بخش خصوصی جایگاه مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی را قائل است: «بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است». در بازنگری اصل ۴۴ قانون اساسی و تعیین سیاست‌های اجرای آن و تغییر وظایف حاکمیتی در این خصوص، نقش دولت پرهیز از تصدّی‌گری و تقویت نقش سیاست‌گذاری، هدایت و

۱۸ - اصل ۴۴ قانون اساسی: نظام اقتصادی جمهور اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است....

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

نظارت بر اقتصاد ملی تعیین شده است^(۱۹) که نه تنها حوزه فعالیت بخش تعاونی را محدود نکرده است بلکه بخشی از فعالیت‌های ناشی از کوچک‌سازی بخش دولتی اقتصاد نیز به محدوده فعالیت‌های بخش تعاونی افزوده شده است. توسعه و گسترش حوزه فعالیت‌های بخش خصوصی نیز نه ناشی از محدود کردن فعالیت‌های بخش تعاونی و کوچک‌سازی آن، بلکه ناشی از تغییر وظایف حاکمیتی دولت صورت گرفته است^(۲۰). بنابراین ماهیت نظام اقتصادی جمهوری اسلامی با توجه به نقش و حوزه عملکرد بخش‌های سه‌گانه آن، یک اقتصاد مردم‌نهاد (مردم بنیان) و نه یک اقتصاد سرمایه‌داری و خصوصی است. این ویژگی اثرات بنیادینی بر ماهیت، جایگاه و عملکرد نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه و همچنین بالندگی و شکوفایی فعالیت‌های نوآورانه و مدیریتی و تربیتی در زندگی فردی و جمعی آحاد جامعه و بخش‌های مختلف اجتماع دارد که به دلیل همین اهمیت لازم است در متن سند قید شود. این اقتصاد برای فرارگرفتن در تراز برجسته جهانی نه تنها دانش بنیان بلکه نوآور نیز باید باشد.

- همانگونه که روحیه عدالتخواهی در قسمت اول «افق» جهت‌گیری و فضای زندگی فرد را مشخص می‌سازد، اعتقاد به بن‌مایه‌های توحیدباوری، وحی‌باوری، انسان‌باوری، حق‌باوری و عدل‌باوری منتج به لزوم شناخت و حفاظت از حقوق خداداد فردی و حقوق اجتماعی انسان‌ها و جوامع و رسمیت بخشی به آنها می‌شود. این موضوع نه به یک دوره اختصاص دارد و نه به نسلی خاص منحصر می‌گردد بلکه به عنوان بستری هم‌نوا، گذشته و حال و آینده را بصورتی پیوسته و مرتبط تعریف می‌کند. عدالت نیز که در ارتباط با حق و استحقاق قابل تعریف است و در وجهه اجرای قانون متجلی می‌شود اساس و پایه حکومت‌ها را می‌سازد. مشروعیت حکومت‌ها به برپاداشتن عدالت و عدالت‌گستری و مقابله با ظلم است. در متن قسمت دوم افق، شاخصه و ویژگی عدالت نه برای تمامی امور اجتماع و زوایا و سطوح و ابعاد مختلف آن بلکه صرفاً از منظر عدالت بین نسلی ذکر شده است. روشن است که کشف منابع، خلق مزیت‌ها و فرصت‌های جدید و وفور نعمت برای همگان به تنهایی به معنای وجود عدالت اجتماعی و بهره‌مندی عادلانه نسل - موجود از حقوق متعلق به خود نمی‌شود. عدالت اجتماعی در گستره زمان حال و نسل حاضر امکان تحقق و اجرا می‌یابد و برای نسل‌های آینده قابل اعمال و اجرا نیست و تنها می‌تواند نقش بسترساز داشته باشد. این تفاوتی است که در نسبت با زمان، میان حق و عدالت وجود دارد. بنابراین باید هم‌زمان با تاکید بر وجوب عدالت اجتماعی، بر ضرورت رعایت حقوق بین‌نسلی تاکید کرد.

محرومیت‌زدایی نیز یکی از عوامل ایجادکننده و تثبیت‌کننده عدالت اجتماعی است. بدلیل وابسته بودن موضوع محرومیت به زمان و شرایط اجتماعی، و نسبی بودن آن، از بین بردن محرومیت در هر زمان به ایجاد تعادل اجتماعی کمک می‌کند. این تعادل لزوماً از طریق رفع فقر و فساد و تبعیض ایجادشدنی نیست. صالح بودن و کارآمدی نظام قضا نیز از منظر حقوق اجتماعی و عدالت اجتماعی امری مهم است که بدون آنها نظام قضایی عادلانه و در دسترس همگان، امکان تحقق نخواهد داشت.

۱۹ - با توجه به ابلاغ بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و تغییر وظایف حاکمیتی، دولت موظف است نقش جدید خود در سیاستگذاری، هدایت و نظارت بر اقتصاد ملی را تدوین و اجرا نماید. (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵/۴/۱۰)

۲۰ - روح اصل ۴۴ این بود که ما بتوانیم اولاً سرمایه‌های مردم و بعد مدیریت مردم را وارد عرصه اقتصاد کنیم. (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹/۰۶/۰۸)

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

بنا بر مطالب و توضیحات فوق متن ذیل برای اصلاح و تکمیل متن مذکور پیشنهاد می‌شود:

تا سال ۱۴۴۴ ایران به عنوان جامعه‌ای اندیشمند و متفکر به پیشتاز در تولید علوم انسانی اسلامی و فرهنگ متعالی در سطح بین‌المللی تبدیل شده و در میان پنج کشور پیشرفته جهان در تولید اندیشه، علم و فناوری جای گرفته و از اقتصادی مردم‌نهاد، دانش‌بنیان، نوآور، خوداتکا و مبتنی بر عقلانیت و معنویت اسلامی برخوردار، و دارای یکی از ده اقتصاد بزرگ دنیا است. تا آن زمان، سلامت محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم شده، کشف منابع، خلق مزیت‌ها و فرصت‌های جدید و وفور نعمت برای همگان با رعایت عدالت اجتماعی و حقوق بین‌نسلی حاصل شده است. فقر، محرومیت، فساد و تبعیض در کشور ریشه‌کن گردیده و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر و دسترسی آسان همگانی به نظام قضایی صالح، عادلانه و کارآمد تأمین شده است.

۴-۳) قسمت سوم

قسمت سوم متن «افق» به شرح ذیل است:

ایران در آن زمان از تداوم رهبری فقیه عادل، شجاع و توانمند و ضمانت کافی برای سیاست‌ها، قوانین و نظامات مبتنی بر اسلام برخوردار است و همچنان با اتکا به آرای عمومی از طریق مشارکت آزادانه مردم در انتخابات به دور از تهدید ثروت و قدرت و با بهره‌گیری نظام‌مند از مشورت جمعی نخبگان اداره می‌شود و قدرت کامل برای دفاع بازدارنده از عزت، حاکمیت ملی و استقلال، امنیت همه‌جانبه و تمامیت ارضی خویش را حفظ کرده و عامل اصلی وحدت و اخوت اسلامی، ثبات منطقه‌ای و عدالت و صلح جهانی است.

- در بحث «رسالت» این نکته مطرح شد که نظام مردم‌سالاری دینی یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی و میراث گرانقدر حضرت امام خمینی (ره) و تجربه‌ای جدید در اداره حکومت دین‌مدار مردم‌سالار در جهان معاصر است. این تجربه بر اساس بینش عدم جدایی دین و سیاست و بر اساس مبانی اسلام و بهره‌مندی از تجارب بشری معاصر در ایران تشکیل گردیده است و هنوز در مسیر بلوغ و کامل شدن است. این نظام توانسته است نظریه «ولایت مطلقه فقیه» را بصورت عملی و بر اساس یک قانون اساسی مستحکم برای جامعه‌ای که بر اساس مشارکت و رای مردم اداره می‌شود، ارائه نماید. هدفگذاری زمانی پنجاه سال در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بیانگر تعلق این بازه زمانی به دوران تکامل این الگوی حکومتی خواهد بود. لذا عدم تصریح به وجود نظام مردم‌سالاری دینی در متن سند، به رغم آنکه بر «تداوم رهبری فقیه عادل، شجاع» تصریح شده است، نه تنها نقطه قوت و استحکام سند برای پیشرفت آینده کشور نیست بلکه می‌تواند به مرور زمان روزنه‌های رخنه و نفوذ اندیشه‌های نادرست برای انحراف از نظام جمهوری اسلامی و تبدیل شدن به حکومت اسلامی یا جمهوری اسلامی دمکراتیک و مانند آن را (حتی با استفاده از ابزارهای قانونی) فراهم سازد که بدین لحاظ باید به شدت مورد دقت بوده و در متن سند به آن تصریح شود. نکته بسیار مهم دیگری که باید بطور جد مورد توجه باشد اشتراک لفظی در استفاده از عنوان جمهوری اسلامی توسط کشورهای دیگر در حال و آینده است که بر مبنای مردم‌سالاری دینی تعریف و پایه‌ریزی نشده یا نمی‌شوند.

هشتمین کنگره‌س الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

همچنین تاکید بر این موضوع است که نظام مردم‌سالاری دینی و عنوان جمهوری اسلامی در ایران، دو روی یک سکه و از هم تفکیک‌ناپذیر هستند.

- اداره ایران با اتکا به آرای عمومی از طریق مشارکت آزادانه مردم در انتخابات، یکی از مظاهر و پایه‌های اصلی نظام مردم‌سالاری دینی است که در اصول ششم و پنجاه و ششم قانون اساسی به آن تصریح شده است^(۴۱). این امر از حق خداداد حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی‌اش منبعت می‌شود و یک قرارداد اجتماعی صرف نیست لذا لازم است در متن سند به آن تاکید شود تا این تمایز مبنایی در تفکر جامعه برای اصالت اتکاء به آرای مردم ملحوظ و محفوظ بماند.

- اتکاء به آراء عمومی در صورتی می‌تواند یکی از مظاهر و پایه‌های اصلی نظام مردم‌سالاری دینی در اداره کشور تلقی شود که مردم بصورت گسترده و امیدوارانه در انتخابات مشارکت نمایند و آن را برای اعمال حق خداداد حاکمیت بر سرنوشت اجتماعی خویش، اثرگذار و نقش‌آفرین ببینند. این موضوع در گرو وجود نظارت عمومی مستمر موثر و کارساز مردم بر درستی فرایندها و عملکردها و همچنین بر نحوه عمل و رفتار کارگزاران و مسئولان نظام در سطوح مختلف اداره امور کشور است. قانون اساسی در اصل هشتم، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر را یک وظیفه همگانی و متقابل بر عهده دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت بر شمرده است و اعمال نظارت عمومی را الزامی دانسته است.^(۴۲) نظارت عمومی علاوه بر اینکه نقش مهمی در حفظ سلامت، پاکی و درستی رفتار و عملکرد عملکرد حکومت، کارگزاران و مردم دارد یکی از عوامل اثرگذار در تقویت و گسترش وحدت میان مردم با یکدیگر و با حکومت نیز به شمار می‌رود. تعیین این وظیفه و رسمیت بخشی به آن، بیانگر اعتقاد به ارزش و کرامت انسان‌ها و آزادی توأم با مسئولیت آنان نیز هست.

- همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان توحیدی^(۴۳) و دفاع از مظلومان و محرومان موارد مهمی هستند که بدون در نظر گرفتن آنها، تبدیل شدن ایران به عامل اصلی وحدت و اخوت اسلامی، ثبات منطقه‌ای و عدالت و صلح جهانی میسر نمی‌شود.

۲۱ - اصل ششم قانون اساسی: در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.
- اصل پنجاه و ششم قانون اساسی: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طریق که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.

۲۲ - اصل هشتم قانون اساسی: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.

۲۳ - اصل ۱۳ قانون اساسی: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

- اصل ۱۴ قانون اساسی: به حکم آیه شریفه «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبرهؤم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که برضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

با اعمال اصلاحات تکمیلی فوق، لازم است متن سند افق مطابق با متن پیشنهادی ذیل تغییر یابد:

ایران در آن زمان همچنان به عنوان یک نظام مردم سالار دینی از تداوم رهبری فقیه عادل، شجاع و توانمند و ضمانت کافی برای سیاست‌ها، قوانین و نظامات مبتنی بر اسلام برخوردار است و بر اساس حق خداداد مردم در تعیین سرنوشت اجتماعی و اداره کشور همچنان با اتکا به آرای عمومی از طریق مشارکت آزادانه مردم در انتخابات به دور از تهدید ثروت و قدرت و با بهره‌گیری نظاممند از مشورت جمعی نخبگان و نظارت مردم اداره می‌شود و قدرت کامل برای دفاع بازدارنده از عزت، حاکمیت ملی و استقلال، امنیت همه‌جانبه و تمامیت ارضی خویش را حفظ کرده و عامل اصلی وحدت و اخوت اسلامی، همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان توحیدی، ثبات منطقه‌ای، و عدالت و صلح جهانی و دفاع از مظلومان و محرومان است.

قسمت پایانی سند افق نیازمند تغییرات نیست.

۶) تعریف تدابیر پایه برای الگوی پایه

با توجه به ترتیب موضوعی آرمان، رسالت، افق و تدابیر، که در سند الگوی پایه پیشرفت اسلامی ایرانی آمده است، لازم است موضوع تدابیر به دو تراز متفاوت تقسیم شود. تراز اول تدابیر معطوف به تصمیمات اساسی جهت ایفای «رسالت» هستند و عناصر پایه‌ای آن را پشتیبانی و راهبری می‌کنند. موفقیت در انجام رسالت به استمرار وجود این تدابیر وابسته است؛ لذا می‌توان آنها را «تدابیر پایه» نامید. این تدابیر در سند الگوی پایه پس از «رسالت» و قبل از «افق» جای می‌گیرند. «تدابیر پایه» در پیوست یک ارائه شده‌اند.

تدابیر در تراز دوم، به عنوان تصمیمات اساسی معطوف به اقدامات کلان دراز مدت برای رسیدن به افق مطرح می‌شوند که لازم است حوزه اجرا و نحوه عمل کلان جامعه را بصورت تفصیلی و عمدتاً در زمینه نهادسازی‌های اصلی مورد نیاز برای تحقق اندیشه‌های تفصیلی مشخص کنند؛ «تدابیر، تصمیمات و اقدامات اساسی و بلندمدت برای حل مسائل مهم کشور و شکوفاساختن قابلیت‌های ماندگار ملی به منظور رسیدن به افق است.»^(۲۴). این تدابیر را می‌توان «تدابیر اساسی» یا «تدابیر کلان / بلندمدت» نامگذاری کرد.^(۲۵) که گزاره‌های آن در بخش «تدابیر» سند الگوی پایه ارائه شده‌اند.

۷) نتیجه‌گیری

برای آنکه الگوی پایه پیشرفت اسلامی ایرانی ظرفیت‌های لازم برای تحوّل فرد و جامعه و ورود به مسیر پیشرفت کشور را فراهم نماید، نیازمند ترسیم یک هندسه یا ساخت کلی منسجم و جهت‌دار است که بتواند با تقویت نقش و ارتباط و وابستگی ساختارمند محتوا و اجزاء مختلف آن (مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر) و عناصر ارزشمند و دقیقی که در هر یک منظور شده است، ذهنیت نوگرا و تحوّل‌زای روشنی را در منظر مخاطبان مختلف آن بوجود

۲۴ - همان، مقدمه سند

۲۵ - موضوع تدابیر اساسی یا کلان به حوزه‌های خاص تخصصی مرتبط شود و از بضاعت این نوشتار خارج است.

بشترین کفراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

آورد. در این مقاله بر اساس دیدگاهی که به توسعه و پیشرفت به مثابه امری تمدنی می‌نگرد و بر سه اقدام: (۱) شناخت و فهم اندیشه محوری و اساسی، (۲) تولید و تبیین اندیشه‌های تفصیلی براساس اندیشه محوری، (۳) نهادسازی برای تحقق اندیشه‌های تفصیلی در عرصه عمل مبتنی است، تلاش شد با استفاده از مدل مفهومی پیشرفت فرهنگ‌بنیان و نقش بنیادین بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز، جهت ایجاد ساخت منسجم الگوی پایه پیشرفت اسلامی ایرانی و اصلاح و تکمیل موضوعی و مفهومی بخش‌های رسالت و افق پیشنهادات لازم ارائه شود. اصلاح و تکمیل سند رسالت و افق نه از منظر ادبی بلکه از نظر مفهومی و موضوعی مورد بررسی قرار گرفت و در نتیجه افزودن یا کاستن هر کلمه یا عبارت به گزاره‌های هر بخش بر اساس نسبت موضوعی مبانی الگو با آن گزاره انجام شده است.

«رسالت» به عنوان چارچوبی راه‌نما، راه‌بر، شورآفرین و تعهدزا است که با نشان‌دادن مسیر آینده جامعه، اراده و توان مردم را در حرکت برای دستیابی به آرمان برمی‌انگیزاند و هماهنگ می‌سازد. این چارچوب، منبعث از مبانی و وابسته به آرمان است؛ که هم سمت‌وسو و هم نحوه حرکت مستمر جامعه را ترسیم و تنظیم می‌کند. با چنین ویژگی‌هایی است که رسالت می‌تواند در جایگاه میثاقی مشترک میان مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. گزاره «رسالت» در سند الگوی پایه نه پیوند میان آرمان و رسالت را روشن و مستحکم می‌کند و نه بصورت منطقی و علی‌پیوندی میان رسالت با آرمان‌ها و با افق ایجاد می‌کند. همچنین چگونگی دستیابی به اهداف و افق پیش‌رو و پیمودن راه تکاملی انقلاب در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی را نشان نمی‌دهد. اهم موضوعات در بخش رسالت بوده‌اند به شرح ذیل هستند:

۱- نظام جمهوری اسلامی منبعث از خواست و اراده مردم است. این اصل موجب ماهیت مردم‌سالارانه این نظام است و وجه تمایز آن را با حکومت‌هایی که صرفاً از این نام استفاده می‌کنند مشخص می‌سازد.

۲- علاوه بر ویژگی عقلانی بودن، حرکت جامعه به سوی پیشرفت باید حق‌گرا و اخلاق‌باور باشد. این ویژگی‌ها از مبانی پایه و بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز آن مانند «علم‌باوری»، «حق‌باوری» و «صدق‌باوری» بدست می‌آید.

۳- انقلاب اسلامی مبانی طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام می‌باشد، لذا در این راه باید به اهداف و آرمان‌های انقلاب که از جمله ساختن کشوری پیشرفته، دارای زیست مطلوب انسانی و در تراز جهانی است به عنوان مقدمه ایجاد تمدن نوین اسلامی اهتمام ورزید.

۴- جهت‌گیری تاریخ به سوی آینده‌ای پیشرفته و برپایی حکومت جهانی عدل، اصلی جهانی است که در ایجاد تمدن نوین اسلامی در زیست‌بوم ایران باید چراغ راه قرار گیرد.

۵- ایجاد تمدن نوین اسلامی در ایران از مسیر اعتلاء نظام مردم‌سالاری و با بهره‌مندی از تجارب سودمند بشری امکانپذیر خواهد بود.

در بررسی متن «افق» در سند الگوی پایه نیز موارد ذیل موضوعات اثرگذار در ایجاد تغییرات در واژه‌ها و عبارات بوده‌اند:

۶- رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیری است که جامعه از زندگی و هدف زندگی دارد. هر هدفی که برای زندگی تعیین شود به طور طبیعی و متناسب با خود، نوعی از سبک زندگی را ترسیم می‌کند. در نتیجه باید فرهنگ زندگی را به شکل مطلوب اسلام تبیین کرد و آن را تحقق بخشید. خردورزی، اخلاق‌گرایی، قانون‌مداری بن‌مایه‌هایی

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

هستند که اسلام برای تبیین و تحقق چنین فرهنگی معین کرده است و از بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز پیشرفت منبعث می‌شوند.

۷- عدالتخواهی یک آرمان بزرگ بشری و مهم‌تر از جهاد و مقدم بر آن است و باید مورد اهتمام باشد. بدون این روحیه، جهادی بودن نمی‌تواند مطابق با آرمان‌ها و مبانی الگو و رسالت آن شکل بگیرد. عدالتخواهی مستقیماً از بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز «توحیدباوری» و «عدل‌باوری» نشئت می‌گیرد و گستره آن تمامی عرصه‌های حیات فردی و جمعی و خانواده و اجتماع را در بر گرفته و متأثر می‌سازد.

۸- هر انسانی «می‌خواهم» شخصی دارد و ملاک زندگی خود را در اشباع آن «می‌خواهم» می‌داند که بودن حیات را برایش لذتبخش می‌سازد. با توجه به نقش بسیار مهمی که عنصر «می‌خواهم» شخصی در آسایش‌بخشی به ذهن و روان انسان و ایجاد آرامش در زندگی شخص دارد عدم توجه به آن و به رسمیت‌نشناختن آن، مغایر با ویژگی «برخوردار از احساس آرامش» است. از این رو اشتغال انسان‌های تربیت‌یافته در جامعه مطلوب هم باید با تمایل فرد همخوان باشد و هم با استعداد و توان معنوی و علمی و مهارتی وی متناسب باشد.

۹- سه شاخصه مهم جامعه مطلوب که از بن‌مایه فرهنگ‌ساز «توحیدباوری» نشئت می‌گیرد قبول عقلی و باور قلبی به کرامت انسان‌ها، و برخورداری آنان از حق آزادی و دارا بودن حقوق مساوی است و رنگ، نژاد، زبان، قومیت، خویشاوندی و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. اینها عناصر پایه‌ای برای «انسان‌محوری» تمدنی است که بر محور توحید شکل می‌گیرد.

۱۰- نتیجه طبیعی و منطقی اعتقاد به بن‌مایه‌های عقل‌باوری، انسان‌باوری، وحی‌باوری، علم‌باوری، صدق‌باوری و سلم‌باوری و توجه به گستره موضوعی و اثر آنها بر یکدیگر، ایجاد فرد و جامعه‌ای است که اندیشمندی و تفکر و بهره‌گیری از علم در تمامی سطوح و لایه‌های زندگی فرد و اجتماع جریان داشته و آن‌ها را سیراب می‌سازد. نهادینه‌شدن این ویژگی‌ها است که می‌تواند جامعه‌ای بوجود آورد تا در تولید علوم انسانی اسلامی و فرهنگ متعالی در سطح بین‌المللی پیشتاز شود و به یکی از پنج کشور پیشرفته جهان در تولید اندیشه، علم و فناوری تبدیل گردد.

۱۰- ماهیت نظام اقتصادی جمهوری اسلامی با توجه به نقش و حوزه عملکرد بخش‌های سه‌گانه آن یک اقتصاد مردم‌نهاد (مردم بنیان) و نه یک اقتصاد سرمایه‌داری خصوصی است. این ویژگی اثرات بنیادینی بر ماهیت، جایگاه و عملکرد نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه و همچنین بالندگی و شکوفایی فعالیت‌های نوآورانه و مدیریتی و تربیتی در زندگی فردی و جمعی آحاد جامعه و بخش‌های مختلف اجتماع با حفظ ارزش‌ها و اصول انقلاب اسلامی و جامعه اسلامی دارد. این اقتصاد برای قرارگرفتن در تراز برجسته جهانی نه تنها دانش‌بنیان بلکه نوآور نیز باید باشد.

۱۱- شاخصه و ویژگی عدالت نه برای تمامی امور اجتماع و زوایا و سطوح و ابعاد مختلف آن بلکه صرفاً از منظر عدالت بین نسلی ذکر شده است. روشن است که صرف کشف منابع، خلق مزیت‌ها و فرصت‌های جدید و وفور نعمت برای همگان به معنای وجود عدالت اجتماعی و بهره‌مندی عادلانه نسل موجود از حقوق متعلق به خود نمی‌شود. همچنین نباید مانع حقوق بین نسلی شود.

۱۲- اعتقاد به بن‌مایه‌های توحیدباوری، وحی‌باوری، انسان‌باوری، حق‌باوری و عدل‌باوری منتج به لزوم شناخت و حفاظت از حقوق خداداد فردی و حقوق اجتماعی انسان‌ها و جوامع و رسمیت‌بخشی به آنها می‌شود. این امر نه به

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

دوره‌ای اختصاص می‌یابد و نه به نسلی خاص منحصر می‌گردد، بلکه به عنوان بستری هم‌نوا، گذشته و حال و آینده جامعه را بصورتی پیوسته و مرتبط با هم تعریف می‌کند. شاخصه و ویژگی عدالت نمی‌تواند صرفاً به عدالت بین‌نسلی محدود گردد و باید در تمامی امور اجتماع و زوایا و سطوح و ابعاد مختلف آن جریان یابد. کشف منابع، خلق مزیت‌ها و فرصت‌های جدید و وفور نعمت برای همگان به تنهایی به معنای وجود عدالت اجتماعی و بهره‌مندی عادلانه نسل - موجود از حقوق متعلق به خود نمی‌شود. رعایت حقوق بین نسلی نیز به عنوان امری واجب باید مورد تأکید باشد.

۱۳- محرومیت‌زدایی یکی از عناصر مهم در ایجاد عدالت اجتماعی و تثبیت آن است.

۱۴- نظام مردم‌سالاری دینی یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی و میراث گرانقدر حضرت امام خمینی (ره) و تجربه‌ای جدید در اداره حکومت دین‌مدار مردم‌سالار در جهان معاصر است که بر اساس بینش عدم جدایی دین و سیاست و بر اساس مبانی اسلام و بهره‌مندی از تجارب بشری معاصر در ایران تشکیل گردیده است. این نظام نظریه « ولایت مطلقه فقیه » و رهبری فقیه عادل شجاع را بصورت عملی و بر اساس یک قانون اساسی مستحکم برای جامعه‌ای که بر اساس مشارکت و رای مردم اداره می‌شود، ارائه نموده است. تصریح به نظام مردم‌سالاری دینی در متن سند مانع از رخنه و نفوذ اندیشه‌های نادرست برای انحراف از نظام جمهوری اسلامی و تبدیل شدن به اشکال حکومت اسلامی یا جمهوری اسلامی دمکراتیک و مانند آن و همچنین صیانت از ماهیت حقیقی جمهوری اسلامی در جهان در برابر سوءاستفاده از اشتراک لفظی با آن توسط دیگر حکومت‌ها است.

۱۵- اتکاء به آراء عمومی در صورتی می‌تواند یکی از مظاهر و پایه‌های اصلی نظام مردم‌سالاری دینی در اداره کشور تلقی شود که مردم بصورت گسترده و امیدوارانه در انتخابات مشارکت نمایند و آن را برای اعمال حق خداداد حاکمیت بر سرنوشت اجتماعی خویش اثرگذار و نقش‌آفرین بیابند. این امر در گرو وجود نظارت عمومی مستمر موثر و کارساز مردم بر درستی فرایندها و عملکردها و بر نحوه عمل و رفتار کارگزاران و مسئولان نظام در سطوح مختلف اداره امور است.

۱۶- همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان توحیدی و دفاع از مظلومان و محرومان موارد مهمی هستند که بدون در نظر گرفتن آنها، تبدیل شدن ایران به عامل اصلی وحدت و اخوت اسلامی، ثبات منطقه‌ای و عدالت و صلح جهانی میسر نمی‌شود.

منابع و مأخذ

- عظیمی، حسین. ۱۳۹۱، "اقتصاد ایران: توسعه، برنامه ریزی، سیاست و فرهنگ"، تهران، نشر نی
- جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۶، "ترجمه و تفسیر نهج البلاغه"، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- فرهمند، حمیدرضا، ۱۳۹۷، «الگوی مفهومی پیشرفت فرهنگ بنیان و نسبت آن با الگوی پایه»، مجموعه مقالات هفتمین کنفرانس الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی.
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۷ "ترجمه تفسیر المیزان"، ج ۱ و ج ۱۳، نرم افزار نور ۳، مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری.
- فرهمند، حمیدرضا، ۱۳۹۷، «اهمیت و نقش بن‌مایه‌های فرهنگ‌ساز پیشرفت در زیرساخت و هندسه الگوی پایه پیشرفت اسلامی ایرانی (بخش اول - مبانی)»، (ارائه شده به) هشتمین کنفرانس الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی.

تدابیر پایه

- تعمیق شناخت روزآمد ارزش‌ها و معارف اصیل اسلام ناب محمدی^ص و بسط آگاهی و ایمان روشنگر دینی،
- صیانت از آرمان‌های انقلاب اسلامی و یاد و راه امام خمینی (ره)،
- ارتقاء و تعمیق فرهنگ اسلامی ایرانی و سبک زندگی منبعث از آن در جامعه،
- حفاظت و حراست از نظام جمهوری اسلامی و تکمیل و اصلاح ساختارهای مورد نیاز آن،
- تحکیم استقلال همه جانبه کشور و افزایش اقتدار ملی و اقتصادی،
- نهادینه‌سازی روح حق‌طلبی، عدالتخواهی و عدالت‌گستری در جامعه و ساختارهای آن،
- گسترش آزادی‌های مشروع فردی و اجتماعی و حقوق شهروندی و پاسداری از آنها،
- گسترش نهادهای مشارکت عمومی و رشد حضور مردم در اداره امور کشور،
- تعمیق و گسترش روح و اخلاق علمی در جامعه،
- تقویت چرخه علم و فناوری و نهادینه‌سازی اقتصاد دانش‌بنیان،
- نهادینه‌سازی اخلاق و برادری و برابری،
- نفی و جلوگیری از هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی،
- گسترش توسعه و آبادانی کشور،
- مبارزه دائمی با فقر و فساد و تبعیض برای ممانعت از رشد آنها و ریشه‌کن کردن آنها،
- اهتمام به گسترش عدالت اجتماعی و بهبود معیشت عمومی و رفاه و سلامت اجتماعی،
- تحکیم وحدت ملی،
- تقویت و تعمیق مشارکت اقوام و پیروان ادیان توحیدی در پیشرفت کشور
- تقویت وحدت جهان اسلام و حسن همجواری،
- استکبارستیزی و مقابله با هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری (نظام سلطه)،
- دفاع از مظلومان و محرومان و مستضعفان جهان و کمک به گسترش عدالت و صلح جهانی
- تقویت همفکری و همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان توحیدی با یکدیگر در سطح جهان.